

نام کتاب: واقعیت زمان و وجود خداوند (طرح اثبات وجود خداوند)

The Reality of Time and the Existence of God
(The Project of Proving God,s Existence)

نام مولف: دیوید بریان (David Brian)

نام ناشر: کلارندان پرس آکسفورد

تاریخ انتشار: ۱۹۸۸

تعداد صفحات: ۳۸۳

عنوان اصلی: فلسفه دین

عناوین فرعی: خدا - اثبات - اثبات وجود خدا

توضیح ناشر درباره مولف:

دیوید بریان عضو گیفورد و دانشیار فلسفه در دانشگاه آبردین Aberdeen، از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۵ در دانشگاه آکسفورد فیزیک، تاریخ و فلسفه آموخته است. علی‌رغم آسیبی که به ستون فقرات وی در سال ۱۹۷۷ وارد آمده است، او هنوز به انتشار کتابهایی در نظریه معرفت، اخلاق و الهیات ادامه می‌دهد. او اثر حاضر را بعنوان بخشی از یک سه‌گانه طراحی کرده است، دوباره شکل دادن به مابعدالطبیعه، نظریه انسان و معرفت، و معرفت‌شناسی: اولی درباره جهان زمان در ارتباط با

دست یازیدنی دقیق را به آرمان پردازي ریاضی وار در علم، نسبت و نظریه اخیر جهان شناختی دربر داشته باشد. او سپس از طریق بازنویسی نظریه منطقی و کارهای مبنایی در تراکتاتیوس ویتگن اشتاین اقدام به تبیین چگونگی مثالهای مشابه و مربوط بهم می‌کند بجای اینکه اصول استدلال علی را هدایت کند. نویسنده هر آنچه را که در دیدگاه و منظری معرفت شناسانه است ارائه می‌کند که برآن اساس، برای اینکه رهیافتی نقدی بنحو ما تأخر باقی بماند، تقدّم به معرفت درجه اول باید داده شود. کلید فهم او از زبان و سرمدیت ردّ هر نوع دوگانه از عمل انسانی است، و این چنین چیزی برای او مثالی کلیدی از ضرورت فلسفه برای الهیات است. و برای اینکه نشان دهد خداوند که در زمان عمل می‌کند، تعلقی حقیقی از پرستش است، او باید مسائل محوری در نظریه ارزیابی را با هم مقابله کند.

حلول و حضور تام، تعالی و بی‌زمانی بودن، در یک عمل واحد دانسته می‌شود، خداوند برای هر چیز بی‌واسطه است زیرا که او به تنهایی می‌تواند وجود را مرتبط سازد. با اینهمه تمامی این مفاهیم باید بنحو غیر تمثیلی فهمیده شود. با پی‌ریزی تمامی طرق مشخص ساختن و سخن گفتن درباره خدا، و راه معرفت به انسجام خداشناسی از طریق معرفت به

خداوند؛ دومی "انسان: حیوانی فراروی بی‌نهایت"؛ و سومی، "ساختار معرفت" است.

توضیح ناشر درباره کتاب:

"چگونه شما آنرا اراده نکرده بودید؟ آیا یک شیء می‌توانست ایستادگی داشته باشد؟"

این سؤال الهام فلسفی و کلامی این اثر است.

هیچ چیزی در عالم قدرت این را ندارد که عالم را ادامه‌دار سازد. با این همه امر زمانی نمی‌تواند صرفاً بطور آتی وجود یابد، بگونه‌ای که تداوم برای آن ضروری باشد. بنابراین مقدمات مولف برهانی برای اثبات وجود خداوند مبتنی ساخته است. آینده هنوز بوجود نیامده است: شرایط وجود آن چیست؟

این کتاب اثری از فلسفه عمومی است. بنابر نظر مولف مسائل فلسفه دین از اشتباههایی ناشی می‌شود که در فلسفه عمومی وجود داشته است و هیچ راهی برای حل دوباره آنها نیست مگر با کار صحیحی که از میان هر بخش اساسی فلسفه می‌گذرد. فلسفه دین نظامی مجزا نیست.

نویسنده با تحلیلی تازه از واقعیت زمان آغاز می‌کند که

حقیقت آن، نه بالعکس است.

رهیافت نویسنده متمایز است، که آنرا جدای از رهیافتهایی متفاوت و مختلف همچون آنتونی فلو، یان رامسی و ریچارد سوئین برن قرار می‌دهد. او متافیزیک و معرفت‌شناسی‌ای متفاوت به‌مراه الهیات و نظریهٔ زبان و زبان دینی‌ای متفاوت عرضه می‌کند.

خلاصه مقدمه مؤلف درباره کتاب و سؤالیهای مورد توجه وی:

در این پروژه من ایده‌هایی را درباره زمان، علیت و امکان، تئوری منطقی و جوهر پرداخته‌ام که از دهه ۱۹۶۰ به آن پرداخته بوده‌ام و سپس به مفهوم علو ناظم نخستین پرداختم که در مقالاتی در سال (۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ آورده‌ام، و پس از آن به دیدگاه فاهمه انسانی که تحت تأثیر براهین دومت (Dammett) در فلسفه زبان در من پدید آمد پرداخته‌ام. در نظر من، هر چیزی در فلسفه، اندیشه‌ای را در الهیات فلسفی نتیجه می‌دهد، و برعکس در بسیاری از موارد، مسائلی در الهیات فلسفی وجود داشته است که در تماس با پرسشهایی در فلسفه عام بوده است. در منازعاتی که در این پروژه داشته‌ام به دو پروژه دیگر کشانده شده‌ام این مسائل عبارتند از: نقشهای نسبی تصور و قضیه در تصدیق، قوام اصول علی عام، و ابزارهایی که بدان وسیله فلسفه بطور عام، نه فقط الهیات،

می‌تواند نقادانه باقی بماند.

این کتاب برای تحقق این مطلب پدید آمده است که محال است فرض شود خداوند به دیگری قدرت هستی بخشی بدهد. این مطلب خواه از فلسفه آمده باشد خواه از وحی، دیدگاهی ضروری برای هر الهیات معنی‌دار است. و چنین تحقیقی طبیعتاً با این نظر آکویناس یکی است که وجود یک چیز نمی‌تواند پس از آنکه فعل فاعل متوقف شد ادامه یابد، اگر فاعل نه تنها علت حدوث یک معلول که علت وجود آن نیز باشد... بنابراین خداوند اصل هر وجودی است بگونه‌ای که او خود به تنهایی وجود از خویش دارد، و هر چیز غیر از او فقط با فعل او موجود است.

زمانمند بودن مفهوم امکان را وضوح می‌بخشد، و امکان موجود زمانمند بعنوان حقیقتی از متافیزیک نه منطقی یا معرفت‌شناختی دوباره حاصل می‌شود؛ و راهی که بین دو سنت متضاد یافت می‌شود بوسیله ژیلسون (Gigson) توصیف شده است، سنت طولانی طبیعت‌گرایانه که در آن جوهر عالم ضروری است، و سنت رقیب که امکان را فقط با بطریقی مجرد ساختن "موضوعات" وجود می‌فهمد. ولی چگونه می‌توان به این مفهوم بطریقی فلسفی رسید یا

آن را تبیین کرد؟ چگونه می‌توان فهمید که اشیاء زمانمند معمولی نمی‌توانند بدون خالق که آنها را در هستی نگه‌دارد قوام یابند و اینکه وابستگی به یک خالق فقط با درک کاملی از امکان میسر است؟ چگونه می‌توان در یک فعل هم ناتوانی مخلوقات نسبت به هستی‌شان را و هم نیاز به یک علت را در این ارتباط فهمید؟ علتی که خود این ناتوانی را ندارد؟

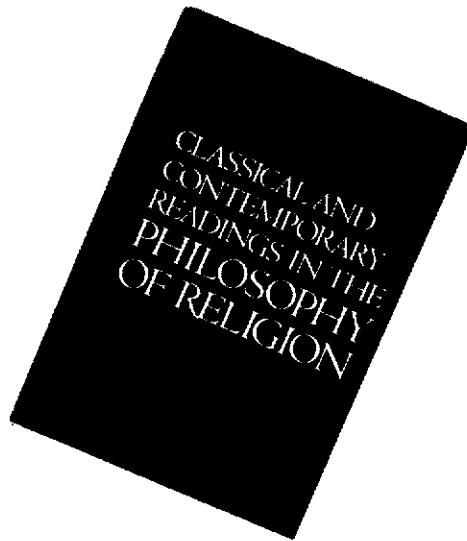
من نتوانستم هیچ رهیافتی برای یک راه حل ما تقدم بیابم واضح است که وجود خداوند باید بنحو خارجی ضروری باشد، این حقیقت گریزناپذیر است زیرا که او هیچ زمینه‌ای که بتواند امکان عدم وجود او را میسر سازد ندارد. ولی این بیان که خداوند بخاطر ضرورت ذاتی وجود دارد برای من کاملاً رازآمیز است: چنین چیزی هیچ نوع تبیین ماندنی ارائه نمی‌کند.

با اینهمه، آیا "آشکار" نیست که اشیاء زمانمند برای آنکه مبنائی برای دوام خویش داشته باشند ناتوان هستند، و اینکه هر چیزی با هر نوع مشابهتی با اشیاء زمانمند آنهم همان ناتوانی را داشته باشد؟ و بعلاوه، آیا "آشکار" نیست که وجود اشیاء زمانمند متضمن دوام است، و "آشکار" نیست که این دوام "قابل اتکاء" یا "غیر اتفاقی" باید علتی داشته باشد؟ در نتیجه آیا "آشکار" نیست که باید چیزی باشد که علت دوام زمانمند باشد چیزی که وجود را بنحوی متمایز از اشیاء

زمانمند داشته باشد بگونه‌ای که هیچ وابستگی به چیزی غیر خودش نداشته باشد؟ و آیا نمی‌توانیم هم به منشاء اثبات وجود خدا برسیم و هم به معنایی که از بیان اینکه او "از خویش" [یا من نفسه] وجود دارد دست یابیم؟

فهرست مطالب:

۱. خط‌مشی برهان من: بیان مبنائی آن و سابقه‌اش ۱
۲. پژوهش اول: پرسش از واقعیت زمان ۲۵
۳. پژوهش دوم: تبیین و علت‌مندی ۶۴
۴. پژوهش سوم: وجود در نظریه منطقی ۸۴
۵. پژوهش چهارم: وجود در مابعدالطبیعه ۱۰۵
- بخش اول - وجود جواهر ۱۰۵
- بخش دوم - "ارتباط" جواهر به وجودشان: مفهوم فعلیت ۱۳۸
۶. درسهایی از تاریخ: ساختار برهان علی به وجود خداوند: مفاهیم علیت اولیه و ثانویه ۱۷۵
- بخش اول - ناتوانی امر زمانی ۱۷۷
- بخش دوم - نیاز به یک علت: ساختار مابعدالطبیعه ۱۹۷



عقلی لازم را ندارد. او همچنین اثبات وجود خداوند را در ابتدای عالم خلقت همانند نظریات کریگ (Craig) ناکافی و نامناسب می‌داند چرا که در تبیین نحوه ارتباط موجودات با خداوند ناتوان است. او خداوند را علت مُبْقِیَةُ عالم و هر جسم زمانمند می‌داند و لذا لحظه به لحظه نیاز موجودات با خلقت مداوم الهی برای هستی‌شان برطرف می‌گردد. این نحوه تقریب مؤلف به مسأله بسیار نزدیک به نوع تقریب فلاسفه اسلامی در این مسأله است. او برای بررسی نیاز مداوم موجودات به خداوند از مسأله زمان و زمانمند بودن اشیاء استفاده می‌کند چه در نظر او گذران زمان در موجودات نشان از نیاز لحظه به لحظه آنها به خالق مدام در امر خلقت دارد. او مسأله زمان را بخوبی بررسی کرده است مخصوصاً با احاطه خوبی که به فیزیک جدید و فلسفه علم داشته است تمامی نظریات مهم را نیز مطرح نموده است. او سعی نموده است دیدگاه فلسفی مبنائی خود را با جامع‌نگری نسبت به مسأله زمان در علم و فلسفه بخوبی مطرح سازد. این کتاب از عمق بسیار خوبی برخوردار است و با دیدگاه مثبت نویسنده از کتابهای بسیار خوب جهت ترجمه و استفادۀ دانش پژوهان ایرانی می‌تواند باشد.

۷. سوالهای معرفت‌شناسانه سیستماتیک..... ۲۲۵
 ۸. تشخیص علت اولی..... ۲۶۶
 ۹. جنبه‌های قدرت و تشخیص خداوند: مرزهای مابعدالطبیعه..... ۲۹۷
 ۱۰. نتیجه‌گریزناپذیر: اینکه یک خداوند حسی وجود دارد..... ۳۳۸
 بعدالتحریر: وحدت فلسفه و عدم امکان الهیاتی غیرفلسفی..... ۳۵۹
 کتابشناسی..... ۳۶۵
 نمایه..... ۳۷۱

نظریه نهایی:

مؤلف دیدگاهی عمیق به مسأله اثبات وجود خدا و نحوه ارتباط او با موجودات دیگر دارد. او عمیقاً معتقد است که تا مبانی عمیق فلسفی بررسی نشده باشد پاسخ به این پرسشها امکان‌پذیر نیست لذا او صورت کنونی فلسفه دین را که صرفاً با طرح مسائل سطحی درصدد پاسخگویی یا ردّ نظریات خداشناسانه است ضعیف و غیر منتج می‌داند. او نحوه پاسخگویی به مسأله اثبات وجود خدا را از روشهایی که ریچارد سوئین برن یا پلاتینجا از طریق معقولیت وجود خداوند در پیش می‌گیرند نمی‌پسندد، چرا که قوام فلسفی و